



هوشمندسازی یا تبدیل اطلاعات به دانش کاربردی

به مناسبت برگزاری نشست
کمپزه پی گیری مصوبات پنجمین همایش
وزیران اطلاع رسانی کشورهای اسلامی

نشست کمیته پیگیری مصوبات پنجمین همایش وزیران اطلاع رسانی کشورهای اسلامی به مدت دو روز در روزهای ۱۵ و ۱۶ آبانماه در تهران برگزار شد. تحقق این مصوبات در شرایط امروز که همگانی شدن فن آوری‌های ارتباطی «سرعت در تبادل»، «گوناگونی در منابع» و «تنوع در چگونگی روابط کسبی و کیفی» جامع انسانی را بوجود آورده است، فرصت متنوعی است تا بتواند ارزش‌های اسلامی که صلح و عدالت را سرلوحه خود دارد به عنوان منطبق همیشگی اسلام برای دعوت جامعه بشری به زندگی مسالمت‌آمیز و حرکت به سوی کمال، تحقق بخشد. اگرچه امروزه تکنولوژیهای ارتباطی در غرب ابرازی هستند تا مفهوم و مضمون‌های فرهنگی اسلام را با طراحی و تدوینی خاص از طریق «انگازسازیها» و خلق تصاویر غیرواقعی به نفع خود مصادره نمایند، اما ماهیت ذاتی این فن‌آوریهای ارتباطی شرایط را به گونه‌ای رقم می‌زند تا در برابر محتوای فرهنگی جهان اسلام که نشأت گرفته از تمدن غنی آن است به تعامل رو آورد.

دنیای غرب با تکیه بر «عقلانیت ایزدی» ناشی از فن‌آوریهای ارتباطی «یکسان‌سازی» جامع انسانی در فکر، اندیشه و عمل را هدف قرار داده است و به این منظور با طراحی نظام اطلاعاتی هدفمند با هوشمندسازی شبکه «قدرت و اطلاعات» اینها به خلق نظریه جنگ تمدن‌ها می‌پردازد سپس پدیده‌ای مجحول با ماهری اسلامی را خلق و در حمایت‌های پنهان و پشت پرده افکار عمومی جهان را به مسیری سوق می‌دهد که «پدیده مخلوق» خود را الگو و نماد اسلام معرفی نماید تا در سناریویی دیگر در تقابل با آن بتواند این تقابل را به تمام جهان اسلام تعمیم دهد.

در این طراحی هم نظریه جنگ تمدن‌های خود را واقعی جلوه می‌دهد که از طریق آن هم‌اندیشه ایدئولوژیک و پرورشی دانش فلسفی خود را به رخ بکشد و هم در عمل فضای یکسان‌سازی جامع را تسهیل و فراهم نماید.

اگرچه در این اقدام حلقه افکار عمومی جهان در کوله‌مدت به هیجان آید و به طراحی موردنظر آنان کردن نهد، اما حلقه تاریخ به خاطر می‌آورد که علی‌رغم تمام تلاش‌های

○ شهلا بهرامی فوق لیسانس ارتباطات

انجام گرفته همانگونه که افکار عمومی جهان رژیم صهیونیست اسرائیل را به عنوان جامعه بی‌هویتان به رسمیت نشناخت پدیده طالبان نیز هرگز به نام اسلام شناخته نخواهد شد.

این طراحی‌ها همه با استفاده از عقلانیت ایزدی فن‌آوریهای ارتباطی صورت می‌پذیرد اما این ویژگی، تنها ویژگی منحصر به فرد تکنولوژیهای ارتباطی نیست بلکه ویژگی ذاتی این فن‌آوریها ایجاد شرایط جدید برای شکل‌گیری «عقلانیت ارتباطی» است که مبتنی بر تعامل و گفت و گو برای هماهنگی و هم‌خوانی جامع به سوی کمال مشترک انسانی است.

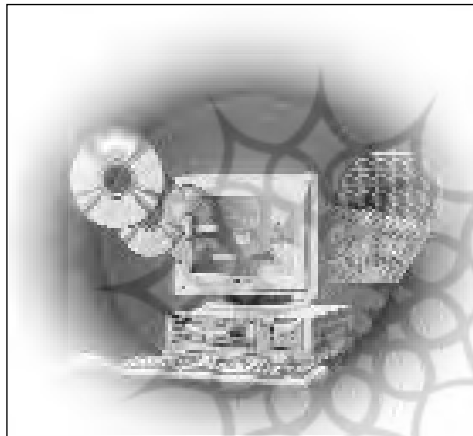
و این تعامل و گفت و گو است که بالذات تمدن‌ها را در حرکت تاریخی خود وامدار است، چرا که وجوه تمایز تمدن‌ها نشأت گرفته از تعریف آنان از انسان است و توانایی هر تمدن برای حل مشکلات فراروی جامعه انسانی است که کارکردهای واقعی تمدنی را در حیات یا برگ خود رقم می‌زند. در تمدنی که ممتی حیات تنها به روایت تولید و سرمایه محدود است «شی‌پوارگی» ویژگی تمامی پدیده‌ها حتی «معرفت» و «شأن» می‌گردد و «کلا هوینی» که ناشی از شی‌پوارگی انسان عصر امروز است بزرگترین معضل جامعه انسانی در غرب است و راه‌های از این معضل تنها با پرهیز از بهره‌گیری صرف از «عقلانیت ایزدی» مورد استفاده غرب و جایگزین کردن «عقلانیت ارتباطی» میسر است عقلانیتی که تعامل و گفت و گو را آزاد را جانشین زورگویی نماید.

حوزه ارتباطات اجتماعی امروز حوزه روابط ذهنی میان افراد انسان است و متعلق آن مبتنی بر عقلانیتی دوجانبه است که در آن «دیگری» شیء نیست بلکه نحن پرسشگر، جستجوگر و خلاق است که در ارتباط خود نه تنها به دنبال بسط حیات مادی بلکه فراتر از آن به دنبال تعمیق حیات معنوی است.

امروز آنچه به عنوان مهم‌ترین نقطه شکاف در فهم اهمیت توسعه فرهنگی در کشورهای اسلامی به ویژه در بخش رسانه‌های مورد غفلت واقع گردیده است راهبرد جدید وسایل ارتباط جمعی در مدیریت «تغییر و تحول» است.

وسایل ارتباط جمعی امروز دیگر تنها ساختارهای نیستند که نقش کلال «انتقال پیام» را ایفا نمایند بلکه هر رسانه کارکرد نرم‌افزاری جدیدی برای «خلق پیام» یافته است که «محتوای اطلاعات» را به گونه‌ای سامان دهد تا تأویل موردنظر سازندگان پیام را به مخاطب القاء نماید.

کارکرد جدید فن‌آوریهای ارتباطی موجب شده است تا نظام اطلاعاتی در قالب مدیریت هوشمند «اطلاعات» تغییر و تحول» به عنوان اصلی‌ترین راهبرد در منظومه‌های قدرت



جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

نظام اطلاع‌رسانی هفتمند غرب با هوشمندسازی شبکه قدرت و اطلاعات» از طریق شناخت اجزاء مختلف جوامع از سوی به «همگرایی» میان کشورهای موردنظر خود می‌پردازد و در تقابل آشکار سعی دارد مسیر «اگرایی» را با سایر اجزاء جامعه جهانی به حد نهایت سوق دهد.

متنوعی تبادل اطلاعات در غرب که امروزه به صورت انحصاری تنها در اختیار آمریکا و نه حتی کشورهای اروپایی قرار گرفته است به امانت‌سوزی و طیف‌بندی اطلاعات برای مخاطبان آمریکایی، اروپایی، آسیایی و آفریقایی پرداخته و با تکیه بر قدرت آژندساز رسانه‌ها در کارکردهای ابزاری و راهبردی با بهره‌گیری از علوم مختلف از جمله روانشناسی مخاطب و جامعه‌شناسی منطقی و بومی جوامع مختلف، حرکت خود را برای رسیدن به نظم نوین مورد نظر خود آغاز کرده است.

در چنین شرایطی «هم‌آوردی» کشورهای اسلامی در هر دو میدان چه میدان جنگ تمدن‌های موردنظر غرب و چه میدان گفت و گوی تمدنها که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور اسلامی مثالی آن است، نیازمند درک نرم‌افزارهای محیط بویژه درک پیچیده‌ترین بخش آن یعنی چگونگی عملکرد رسانه‌ها برای نیل به این اهداف است.

روند ارتباطات جهانی به صورت درون‌زا از رسانه‌ها عملکرد «ولید انتظار» در مخاطب را طلب می‌کند که آن هوشمندسازی افکار عمومی برای دستیابی به حقوق فردی، اجتماعی و جهانی در همه زمینه‌هاست. از سوی دیگر حاکمیت‌ها به طور طبیعی برای برنامه‌ریزی ملی خود عملکرد «ولید رضایت» در مخاطب را از رسانه‌ها انتظار دارند و این انتظار نیز انتظار معقول و منطقی است چرا که بی‌توجهی نسبت به این بخش از کارکرد رسانه‌ها فقدان توان افکار عمومی در روبرویی با مشکلات طبیعی و منطقی که یک جامعه خواسته یا ناخواسته در مسیر ارتباطات جهانی با آن روبروسته پدیدال خواهد داشت.

بنابراین یکی از ضرورت‌های اساسی برای کشورهای اسلامی در «ارتباطات جهانی» ایجاد «عادل‌صودی» و «توان مثبت» میان کارکرد «ولید انتظار» و «ولید رضایت» رسانه‌هاست که این تعادل به معنی حرکت متوازن و رو به جلو رسانه‌ها برای پاسخگویی مثبت به خواسته‌های افکار عمومی از سوی و برای رعایت به حاکمیت برای تأمین آن خواسته‌ها و نه ایجاد تضاد و تعارض می‌باشد.

تحقیق این امر می‌تواند کشورهای اسلامی را در شناخت چالش‌های جهانی که پیش روی آنان است یاری نماید. به نظر می‌رسد مهمترین این چالش‌ها که می‌تواند در دستور کار

اجلاس آینده شورای اطلاع‌رسانی سازمان کنفرانس اسلامی قرار گیرد به شرح زیر است:

الف: چالش «جهانی شدن» ارتباطات و فن‌آوریهای آن.
ب: چالش یکپارچگی اقتصادی، یا جهانی شدن اقتصاد.
ج: چالش راهبردهای اساسی مدیریت هوشمند اطلاعات

که به نظر می‌رسد چالش اخیر مهمترین چالشی است که مورد

تغفلت واقع گردیده است.

«هوشمندسازی» یا تبدیل اطلاعات به دانش کاربردی نیازمند نرم‌افزارهای خاص و متکی بر دارایی‌های فکری و اندیشه‌های معنایی است که بتوان از طریق آن توانایی ساخت و خلق «پیام» و انتقال آن را از طریق واژگان و واحدهای اطلاعاتی متناسب با «زبان درک مخاطب» و نیاز او را فراهم ساخت.

در این زمینه دین اسلام و فرهنگ اسلامی با توجه توان و استعداد خلق «ادبیات رسانه‌ای» جدیدی را داراست که متکی بر پیام‌های قرآنی و «صنویت» این عنصر کم‌شده عصر حاضر است. بنابراین رسانه‌های ما نیازمند همکاری و همپایی برای حیات بخشیدن به این «ادبیات رسانه‌ای» جدید است به گونه‌ای

که این زبان و گویش مخاطبان نشسته جهانی را به میدان آورد. در این مسیر کشورهای اسلامی با ضعف مهارت‌ها و روش‌شناسی در «برداشت اطلاعات» و جنبش آن برای انتقال پیام روبرو هستند که بخشی از این ضعف با آموزش‌های آکادمیک می‌تواند جبران گردد و بخش اعظم آن برعهده اندیشمندان علوم ارتباطات است که متناسب با ساختارهای فکری و ارزش‌های بنیادی اسلام، روش‌شناسی و سبک‌ها و مهارت‌های انتقال پیام را بی‌نویسند.

در هر حال، به نظر می‌رسد فن‌آوریهای ارتباطی امروزه انسان را در یک «شبکه پیوندهای» پیچیده قرار داده است و اگر انسان عصر حاضر درک کند نماید که کامیابی و رفاهت نیاز به سلطه‌گری یا تک‌فطیلی شدن جهان مبتنی بر عزالت ابزاری و سلب ارتباط جمعی ندارد و بنیاد یا «فصلانیت ارتباطی» در تعامل و گفت‌وگو موسوم به خشونت‌ها، می‌باشد، با جنگ را متروک تلقی نماید می‌توان امید داشت که «ارزش جدید» سهم‌خواهی «صلح‌طلبانه» در «شبکه پیوند ارتباطی جهانی» شکل گیرد، امید است که کشورهای اسلامی به عنوان طلابان این ارزش جدید اغاظ‌گری شایسته و توانمند باشند.